



Criticism of the View of the Formation of the Quran Based on Syriac Texts*

Seyyed Muhammad Soltani¹

Mohsin Alviri²

Seyyed Hossein Falahzadeh³

Abstract

One of the most important views of revisionist orientalists is the gradual formation of Islam from a primitive monotheistic religion that emerged in the form of Islam during the Umayyad period. In the book "Crossroads to Islam: The Basics of the Arabs Religion and Their Government", Nevo and Koren have given their special explanation from this point of view based on archaeological evidence and Syriac texts of early Islam. One of the main axes of this view is the gradual formation of the Quran until the end of the second century and the beginning of the third century of Hijrah. The following article evaluates this point of view based on the Syriac texts of early Islam using the method of critical analysis based on logical criticism and data criticism and using library resources. The results of the research indicate that Nevo and Koren's view about the origin of the Quran is not based on the scientific method of using Syriac texts related to the first period of the formation of Islam and provides an incorrect explanation of these texts. Relying on the proof of silence and not paying attention to non-narrative proofs, such as the old versions of the Quran and the proof of massiveness, ignoring the gradual process of Syriac familiarity with Islam and the polemical nature of some Syriac texts and misunderstanding of these texts can be considered as one of their most important problems in references to Syriac texts are listed. Therefore, not only the early Syriac texts of Islam do not speak of the gradual emergence of the Holy Quran, rather they can be considered in line with the traditional Islamic view.

Keywords: Genesis of the Quran, Orientalists, Revisionists, Yehuda Nevo, Syriac Texts.

*. **Date of receiving:** 20 February 2022 ; **Date of correction:** 21 April 2022; **Date of approval:** 22 May 2022.

1. Ph.D Scholar, Islamic History, Baqir al-Olum University (A.S), (Corresponding Author) s.muhammad.soltani@gmail.com.

2. Professor, Department of History, Baqir al-Olum University (A.S), alvirim@gmail.com.

3. Associate Professor, Department of History, Baqir al-Olum University (A.S), fallahzadeh@bou.ac.ir



نقد دیدگاه پیدایش قرآن بر پایه متون سریانی*

سید محمد سلطانی^۱ و محسن الویری^۲ و سید حسین فلاحزاده^۳

چکیده

یکی از مهمترین دیدگاه‌های مستشرقان تجدیدنظرطلب، شکل‌گیری تدریجی اسلام از یک دین توحیدی ابتدایی است که در دوره امویان در قالب اسلام پدیدار می‌شود. نوو و کورن، در کتاب «چهارراهایی به اسلام: مبادی مذهب تازیان و حکومت ایشان» به تبیین ویژه خود از این دیدگاه بر اساس شواهد باستان‌شناختی و متون سریانی صدر اسلام پرداخته‌اند. یکی از محورهای اصلی این دیدگاه شکل‌گیری تدریجی قرآن تا اواخر سده دوم و اوایل سده سوم هجری است. نوشتار پیش‌رو به روش تحلیل انتقادی بر پایه نقد منطقی و نقد داده‌ای و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای به ارزیابی این دیدگاه بر اساس متون سریانی صدر اسلام می‌پردازد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد دیدگاه نوو و کورن درباره پیدایش قرآن مبتنی بر روش علمی در بهره‌گیری از متون سریانی مرتبط با دوره نخستین شکل‌گیری اسلام نیست و تبیین نادرستی از این متون ارائه می‌دهد. تکیه بر برهان سکوت و عدم توجه به ادله غیرروایی، مانند نسخه‌های کهن قرآن و برهان تواتر، نادیده گرفتن روند تدریجی آشنایی سریانیان با دین اسلام و ماهیت جدلی برخی متون سریانی و فهم نادرست از این متون را می‌توان از مهمترین اشکالات آنان در استناد به متون سریانی برشمرد. بنابراین، نه تنها متون سریانی صدر اسلام از پیدایش تدریجی قرآن کریم سخن نمی‌گویند؛ بلکه می‌توان آنها را همسو با دیدگاه سنتی اسلامی دانست.

واژگان کلیدی: پیدایش قرآن، مستشرقان، تجدیدنظرطلبان، یهودا نوو، متون سریانی.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۵؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۲/۲۶ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۳/۰۸.

این مقاله با حمایت گروه مطالعات تطبیقی پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی به نگارش درآمده است.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام)؛ [نویسنده مسئول]؛ (s.mohammad.soltani@gmail.com).

۲. استاد گروه تاریخ دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام)؛ (alvirim@gmail.com).

۳. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام)؛ (fallahzadeh@bou.ac.ir).



مقدمه

طی دهه‌های اخیر مطالعات غربیان درباره دین و تاریخ قرون نخستین اسلام دو مسیر متمایز را پیموده است: رویکرد سنتی (Traditional) که نسبت به منابع اسلامی خوش‌بین است و استخراج گزارش‌های اصیل از آن را به کمک روش‌های تحلیل متن و سند ممکن می‌داند. گروه دیگر بر مبنای روش‌های نقد - منبع (critical-source) این مکتوبات را مورد ارزیابی انتقادی قرار داده و عمده اتکای خود را بر نگاه‌های غیرعرب‌های هم‌عصر دوره پیدایش اسلام و نیز بقایای مادی برجای مانده از این دوره مانند یافته‌های باستان‌شناسی، کتیبه‌شناسی و سکه‌شناسی قرار داده‌اند. این رویکرد را با توجه به نتایج و نه روش‌های «تجدیدنظرطلبانه» (Revisionist) می‌نامند و پیروانش رویکرد سنتی را مطالعه دین یا ادبیات تلقی می‌کنند و نه تاریخ (کورن و نوو، «رویکردهای روش شناختی در غرب به مطالعات اسلامی»، ۱۳۸۷: ۱۱۳-۱۱۴). میزان شکاکیت تجدیدنظرطلب‌ها به گزارش‌های اسلامی مختلف است. برخی چون جان ونزبرو (John Wansbrough) در کتاب محیط فرقه‌ای (The Sectarian Milieu)، حضرت محمد ﷺ را شخصیت مبهمی از یک پیامبر عرب می‌داند؛ پاتریشیا کرونه (Patricia Crone) و مایکل کوک (Michael Cook) در هاجریسم (Hagarism) اهمیت تاریخی آن حضرت و میزان واقع-نمایی اخبار سیره را پایین‌تر از دیدگاه رایج برمی‌شمارند، ولی برخی چون یهودا د. نوو (Yehuda D. Nevo) و یودیت کورن (Judith Koren) به کلی پیامبر اسلام ﷺ را شخصیتی ساختگی می‌دانند.^۱ (Schoeler, 2011: p.9)

یکی از مهمترین دیدگاه‌های تجدیدنظرطلب‌ها شکل‌گیری تدریجی اسلام از یک دین توحیدی ابتدایی است که در طول قرن‌ها به شکل کنونی آن درآمده است. نوو و کورن که دو باستان‌شناس اسرائیلی و متخصص مطالعات خاورمیانه هستند، کتاب «چهارراه‌هایی به اسلام: مبادی مذهب تازیان و حکومت ایشان»^۲ را به تبیین ویژه خود از این دیدگاه اختصاص داده‌اند.^۳ مقدمه این کتاب به نقد دیدگاه سنتی در تبیین تناقضات روایات اسلامی مربوط به صدر اسلام و دشواری‌ها و اشکالات استناد به گزارش‌ها و شواهد متنی، به‌ویژه متون متأخر از رویدادها پرداخته، و از سوی دیگر مزایای شواهد غیرمتنی مانند یافته‌های باستان‌شناسی، کتیبه‌شناسی و سکه‌شناسی را برشمرده است (Nevo and Koren, 2003: p.3-10).

۱. گورگ شونلر در مقدمه کتاب زندگی‌نامه محمد ﷺ؛ ماهیت و اعتبار به معرفی مهمترین شخصیت‌ها و آرا این دو جریان پرداخته است.

2. Nevo, Yehuda D., and Judith Koren. Crossroads to Islam: the Origins of the Arab religion and the Arab state. Prometheus Books, 2003.

۳. نوو پیش‌تر دست‌نوشته‌هایی به خط کوفی در صحرای نعب در فلسطین اشغالی کشف کرد و چهارصد مورد از آن‌ها را در کتابش دست‌نوشته‌ای عربی قدیم گزارش نمود.

محورهای اصلی دیدگاه نوو و کورن عبارتند از: مشرک بودن فاتحان عرب و پیدایش تدریجی توحید در میان آنان، و پیدایش شخصیت حضرت محمد ﷺ و قرآن کریم در دوره عبدالملک بن مروان و پس از آن (ibid: p.10-11).

دیدگاه یهودا و نوو بازتاب گسترده‌ای در جهان غرب داشته و کتاب مشترک آنها به عنوان یکی از مشهورترین نگاشته‌های تجدیدنظرطلبان، تأثیری آشکار بر آثار لاتین داشته است (e.g. Shutao, 2016; Al-Azmeh, 2014; Grodzki, 2014; Holland, 2012; Wakeley, 2018). بسیاری از آثار مؤسسه إنارة آلمان که توسط انتشارات فروغ به چاپ می‌رسد، به پیدایش اسلام در عصر اموی اشاره داشته‌اند. برای نمونه کتاب چگونه مسلمان شدیم؟ نوشته آرمین لنگرودی پژوهشگر تاریخ اسلام ساکن اتریش را باید نام برد. ۱. برخی از نوشته‌های مستشرقانی که وام‌دار دیدگاه نوو هستند نیز به فارسی ترجمه شده است که برای نمونه می‌توان کتاب آغاز اسلام از اوگاریت به سامریه، نوشته فلکر پوپ (Volker Popp) را نام برد. این کتاب توسط ب. بی‌نیاز (داریوش) ترجمه و توسط انتشارات فروغ در سال ۲۰۱۴ در ۳۰۳ صفحه منتشر شده است. در ترجمه فارسی این کتاب در صفحه ۲۲۰ به‌ویژه به اندیشه‌های نوو اشاره شده است. انعکاس این دیدگاه در نگاشته‌های فارسی زبان از گسترش آن میان جامعه ایران در آینده نه چندان دور خبر می‌دهد و بر ضرورت نقد و بررسی آن می‌افزاید.

نوو و کورن از دو دسته منابع تاریخی برای سامان‌دادن به دیدگاه خود بهره برده‌اند: متون مسیحی معاصر و یافته‌های باستان‌شناختی (شامل سکه‌ها، کتیبه‌ها و سنگ‌نبشته‌ها). نوشتار پیش رو تنها بر اساس دسته اول، یعنی منابع مکتوب مسیحیان سریانی معاصر صدر اسلام، به نقد این دیدگاه خواهد پرداخت، ۲ و برای این کار از روش‌های عمومی نقد نظریه، مانند نقد منطقی (Logical criticism) یعنی سنجش سازگاری درونی و نحوه استنتاج، و نقد داده‌ای (Factual criticism) یعنی بررسی اصالت، عینیت، همگرایی و ارائه غیرجانبدارانه مواد تاریخی استفاده شده در نظریه و توجه به مواد تاریخی تازه کشف شده و یا مورد غفلت نویسنده (wikipedia.org/Varieties_of_criticism) استفاده خواهد کرد.

۱. چاپ اول تابستان ۱۳۹۶ (۲۰۱۷)، چاپ دوم با تصحیحات و اضافات بهار ۱۳۹۷ (۲۰۱۸)، ۲۶۸ صفحه، انتشارات فروغ.
۲. نوو و کورن از بسیاری از شواهد باستان‌شناختی مخالف دیدگاه خود غفلت و یا چشم‌پوشی کرده‌اند. ایلکا لیندستد بیشتر این شواهد را گردآوری و ترجمه کرده است (Lindstedt, 2019: pp. 207-231).

۱. پیشینه تحقیق

دیدگاه نوو و کورن، به ویژه بر اساس متون مسیحیان سریانی، تاکنون نه در میان مستشرقان و نه در مجامع علمی اسلامی مورد نقد و بررسی تفصیلی قرار نگرفته است. البته مقالات مروری که درباره این کتاب نوشته شده است می تواند در شناخت بهتر کتاب و رویکرد نویسندگان آن مورد استفاده قرار گیرد. مهم ترین این مقالات عبارتند از:

Grodzki, Marcin. "Yehuda D. Nevo—A Comprehensive Skeptical Theory on the Genesis of Islam", 2018.

Steenbrink, Karel. "New Orientalist Suggestions on the Origins of Islam." The Journal of Rotterdam Islamic and Social Sciences, 1.1, 2010.

Cook, David. "Review of Crossroads to Islam." Middle East Quarterly, 2006.

مطالعات متون سریانی دوره باستان متاخر و سده های نخستین اسلام در دهه های اخیر رشدی تصاعدی را تجربه می کند. امروزه صدها رساله، کتاب، و مقاله علمی در زمینه معرفی، ترجمه، و تحلیل این متون وجود دارد. این منابع را نیز با لحاظ ارائه آگاهی هایی در زمینه شناخت متون سریانی صدر اسلام که تاکنون کشف و منتشر شده اند، و همچنین دیدگاه سایر پژوهشگران درباره اعتبار، تفسیر محتوای آنها و نظریه پردازی، می توان به عنوان پیشینه عمومی این تحقیق به شمار آورد. مهمترین این منابع عبارتند از:

Crone, Patricia, and Michael Cook. Hagarism: the making of the Islamic world. CUP Archive, 1977.

Donner, Fred M. Muhammad and the Believers: at the Origins of Islam. Harvard University Press, 2012.

Hoyland, Robert G. In God's path: The Arab conquests and the creation of an Islamic empire. Oxford University Press, USA, 2015.

Shoemaker, Stephen J. A Prophet Has Appeared: The Rise of Islam Through Christian and Jewish Eyes. University of California Press, 2021.

Hoyland, Robert. Seeing Islam as others saw it, Gorgias Press, 2019.

Howard-Johnston, James. Witnesses to a world crisis: Historians and histories of the Middle East in the seventh century. Oxford University Press, 2010.

Penn, Michael Philip. When Christians First Met Muslims. University of California Press, 2015.

۲. زیست‌شناخت نوو و کورن

یهودا د. نوو (Yehuda D. Nevo) (۱۹۳۲-۱۹۹۲ م.) باستان‌شناس اسرائیلی و متخصص مطالعات خاورمیانه در دانشگاه عبری اورشلیم بود. تحقیقات باستان‌شناسی وی در صحرای نِقب در جنوب فلسطین اشغالی منجر به کشف برنگاشت‌هایی به خط کوفی شد. این یافته‌ها وی و خانم یودیت کورن (Judith Koren)، کتابدار کتابخانه دانشگاه حیفا، را در دهه ۱۹۸۰ بر آن داشت که ارزیابی دوباره‌ای از تاریخ پیدایش اسلام و دوره نخست اسلامی ارائه دهند. کتاب «چهارراه‌هایی به اسلام: مبادی مذهب تازیان و حکومت ایشان» حاصل کار این دو نویسنده است که در آن به تبیین دیدگاه ویژه خود در این باره پرداخته‌اند. (https://en.wikipedia.org/wiki/Yehuda_D._Nevo; <https://en-academic.com/dic.nsf/enwiki/2220453>).

سایر نگاشته‌های علمی یهودا نوو عبارتند از:

- کتاب دوره نخستین عربی در نقب، ۱۹۸۲ (Rosen & Nevo, Y. *The Early Arab Period in the Negev*. 1982).

- کتاب سِدِه بوکر و نقب جنوبی، سده ۷ و ۸ میلادی، ۱۹۸۵ (Nevo, *Sede Boqer and the Central Negev, 7th-8th Century* 1985).

- مقاله «خاستگاه‌های توصیفات اسلامی از عبادتگاه جاهلی مکه»، ۱۹۹۰ (Nevo, Koren. "The origins of the Muslim descriptions of the Jāhili Meccan sanctuary." 49.1 (1990): 23-44).

- کتاب مشرکان و چوپانان: ارزیابی دوباره سیستم‌های کشت رواناب در بیزانس و دوره‌های نخستین عربی، ۱۹۹۱ (Nevo, *herders: A re-examination of the Negev runoff cultivation systems* (in the Byzantine and early Arab periods, 1991).

- مقاله «رویکردهای روش‌شناختی به مطالعات اسلامی»، ۱۹۹۱ (Koren, Nevo. "Methodological approaches to Islamic studies." *Der Islam* 68.1 (1991): 87-107).

- کتاب برنگاشت‌های عربی کهن از نقب، ۱۹۹۳ (Nevo, Yehuda D., Zemira Cohen, and Dalia *Heftman. Ancient Arabic Inscriptions from the Negev*. , 1993).

- مقاله «به سوی یک پیش‌تاریخ از اسلام»، ۱۹۹۴ (Nevo, Y. "Towards a prehistory of Islam." (1994): 108-141).

۳. سریانیان و تاریخنگاری سریانی

بخش عمده‌ای از شواهد مورد استناد نوو و کورن متون سریانی متعلق به دوره صدر اسلام است. از این رو، آشنایی با جامعه سریانی و نخستین نگاه‌های آنان درباره اسلام درک بهتری از این شواهد در اختیار ما قرار می‌دهد. مسیحیت در سال ۳۱۳ میلادی در امپراطوری روم به رسمیت شناخته شد و در سال ۳۸۰ تنها دین رسمی گردید. در نتیجه، از سده چهارم تا هفتم میلادی اسروئن ایالت شهری و کلیسایی اسقف‌نشین شرق شد، که از طرف شرق تا فرات و ایالت بین‌النهرین امتداد می‌یافت. افزون بر ادسا این ایالت شامل هجده شهر می‌شد که مهمترین آنها کنستانتینا، کالینیکوس، کیرکسیون، سوروج و حران بودند. اسروئن تا زمان اشغال خاورمیانه توسط ایرانیان و فتوحات عربی - اسلامی در سده هفتم تحت حاکمیت روم بود (Debić, 2019, pp.19-20; Winkler, 2019: p.119). مسیحی شدن این منطقه تغییرات اجتماعی چشمگیری ایجاد کرد که مهمترین آنها رشد فزاینده راهبان و عزلت‌نشینان، صومعه‌ها، مدارس، و قدرت اسقفان و اعضای کلیسا در مدیریت عمرانی شهری و کلیسایی بود. به موازات مدرسه نصیبین، سه مدرسه در ادسا وجود داشت: مدرسه پارسیان (که در سال ۴۸۹ به خاطر موضع دیافیزیتی توسط زنون بسته شد)، مدرسه ارمنی‌ها و مدرسه سریانی‌ها. از مدرسه‌ای برای یونانی‌ها اطلاعاتی در دست نیست (Debić, 2019: pp.21-22).

زبان سریانی هیچ‌گاه زبان رسمی یک حکومت و یا زبان نژاد ویژه‌ای نبوده است و از این رو توانسته از مرزهای سیاسی عبور کند و به عنوان یک زبان فرهنگی و دینی انتشار یابد. تنها در دوره کوتاه حکومت اسروئن در شمال بین‌النهرین سریانی کهن یا آرامی ادسای زبان رسمی گردید (ibid: p.11). گستره وسیع جغرافیایی همراه با مجادلات کلامی و تاریخ پیچیده مسیحیت سریانی سبب شکل‌گیری فرقه‌های مختلفی در آن گردیده است (Winkler, 2019: p.119). نخستین مواجهه اسلام با مسیحیت با چهار فرقه مسیحیت سریانی به نام‌های کلیسای شرق، کلیسای ارتدکس سریانی (کلیسای سریانی غربی)، کلیسای مارونی و کلیسای کلسدانی گردید (ibid, 2019: p.120-125; Debić, 2019: p.22-27). متون سریانی به‌جامانده از صدر اسلام، از نوع گزارش‌های متنی غیراسلامی هستند که هر روز بیشتر مورد توجه و استفاده پژوهشگران تاریخ صدر اسلام قرار می‌گیرند. متون سریانی از چند جهت برای بررسی تاریخ اسلام اهمیت دارند:

۱. سریانی‌ها تنها پس از چند سال از آغاز فتوحات شام در حاکمیت اسلام بودند. از دهه ۶۴۰ آنان دیگر مخالفان نظامی مسلمین نبودند؛ بلکه اسلام نوظهور جنبه‌ای از زندگی روزانه آنان بوده است و به مقامات کلیدی در حکومت رسیده‌اند. در جریان نهضت ترجمه بغداد دانشمندان سریانی با دانشمندان

مسلمانان برای ترجمه متون یونانی همکاری داشتند. با رهبران مسلمانان در جنگ‌های ضد بیزانس شرکت می‌کردند. مسیحیان سریانی با مسلمانان غذا می‌خوردند، ازدواج می‌کردند، برایشان ارث می‌گذاشتند، کودکانشان را تعلیم می‌دادند. بنابراین روابط مسلمانان با مسیحیان نخستین بار در این متون به تصویر کشیده شده است.

۲. این متون حاوی اطلاعات ارزشمندی درباره تاریخ نخستین اسلام هستند. این اطلاعات از چند جهت حائز اهمیتند. نخست این که این گزارش‌های برون دینی هستند و ماهیت متفاوتی با گزارش‌های اسلامی دارند. دوم اینکه نویسندگان آنان شاهدان عینی بسیاری از رخدادهایی هستند که گزارش کرده‌اند. نخستین متونی که نام محمد [ص] برده شده، نخستین فهرست خلفای پس از ایشان و نخستین گزارش دوران جنگ‌های داخلی یا فتنه (۶۸۳-۶۹۲)، نخستین گزارش‌های اسلام آوردن یا ارتداد مسلمانان، نخستین مجادلات کلامی پیرامون قرآن که شامل نخستین نقل قول‌ها از قرآن کریم نیز می‌شوند را باید در این متون جستجو کرد (Penn, 2019, p. 175-176).

۳. درست است که غیر از متون سریانی، از مسیحیان قبطی و ... نیز منابع دست‌اولی در دسترس است؛ اما تعداد متون سریانی بسیار بیشتر است (Suermann, 2006: p. 96). از آنجاکه آشنایی مسیحیان سریانی با اسلام و مسلمانان با شکل‌گیری فتوحات شامات آغاز شده، نخستین نگاه‌ها به جامانده بیشتر به توصیف این جنگ‌ها و آثار آنها پرداخته‌اند. یکی از دغدغه‌های مسیحیان این بوده است که برای شکل‌گیری این جنگ‌ها و آسیب‌های ناشی از آن، فلسفه‌ای بیابند. از این رو در این نگاه‌ها با مدل‌های مختلف توجیه این رویدادها مواجه هستیم. با گسترش و تثبیت حاکمیت مسلمانان در این مناطق، روابط اجتماعی گسترده‌تری میان آنان با مسیحیان بومی شکل گرفت و در نتیجه، مسیحیان سریانی به ابعاد اجتماعی و دینی این مسئله نیز پرداختند. آنان به تدریج با جزئیات اندیشه و شریعت اسلامی آشنایی بیشتری پیدا کردند و متوجه تهدیدهای الاهیاتی اسلام برای آیین مسیحیت، به‌ویژه در دوره اسلامی - عربی‌سازی عبدالملک بن مروان، شدند. این امر آنان را به واکنش‌های گوناگونی وا داشت که خود را در گونه‌های مختلف نگاه‌ها به ادبی و علمی بروز داده است. سیر تاریخی پیدایش این متون را می‌توان به اختصار در قالب مراحل زیر تبیین کرد:

۱- اشارات پراکنده به فتوحات و فاتحان عرب؛

۲- نخستین اشارات به اسلام و نخستین تلاش برای تبیین فلسفه فتوحات؛

۳- واکنش فرهنگی و الاهیاتی به سیاست‌های اسلامی - عربی‌سازی عبدالملک؛

۴- واکنش فرهنگی و الاهیاتی به تثبیت حکومت و دین در دوره عبدالملک (Penn, 2015a: p. 19-)

(39; Penn, 2015b: pp. 29-184).

۴. دیدگاه نوو و کورن درباره شکل گیری قرآن کریم

افزون بر اشارات پراکنده در سراسر کتاب به چگونگی پیدایش قرآن، نوو و کورن در ابتدای فصل ششم از بخش سوم کتاب (Nevo and Koren, 2003: pp. 337-344)؛ با تفصیل بیشتری به این مطلب پرداخته‌اند. به باور نوو و کورن، مواد قرآن از منابع مختلف یهودی، مسیحی و عربی برگرفته شده است (ibid: pp. 337-338)؛ که باید زمان قانونی شدن آن را اواخر قرن دوم هجری دانست (ibid: p. 343). آنان این نتیجه را بسیار نزدیک به نتیجه تحقیقات ونزبرو می‌دانند که به روشی کاملاً متفاوت و بر اساس کاربست نقد متن (textual criticism) در متون اسلامی صورت گرفته است. ونزبرو معتقد است ایجاد یک متن استاندارد زودتر از قرن سوم (Wansbrough, 1977: p.44)؛ یا اواخر قرن دوم (ibid: p. 49) نبوده است. مجموع مستندات نوو و کورن درباره پیدایش قرآن را می‌توان در ذیل سه دلیل تقسیم‌بندی کرد که در ادامه به بررسی آنها پرداخته می‌شود.

یک. سکوت متون سریانی کهن نسبت به قرآن کریم

نوو و کورن تصریح می‌کنند که بحث درباره قرآن برای قراردادن آن در ساختار دیدگاه ارائه شده در این کتاب انجام شده، و کاملاً مبتنی بر شواهد ارائه شده در بخش‌های پیشین است (Nevo and Koren, 2003: p. 333). بنابراین، مهمترین دلیل نوو و کورن برای پیدایش دیرنگام قرآن به عنوان متن مقدس دین فاتحان عرب، عدم اشاره به آن در منابع به‌جامانده از دوره پسافتوحات است. مهمترین شاهد سکوت منابع سریانی متن گفتگوی اسقف یوحنا و امیر است. نوو و کورن تأکید دارند که در این گفتگو سخنی از قرآن به میان نیامده و امیر به «قوانین مهاگری (mhaggrê)» اشاره دارد، بدون اینکه آنرا مبتنی بر متن دینی بداند؛ و اگر این قوانین از کتابی گرفته شده باشد، آن کتاب باید اسفار پنج‌گانه باشد و نه قرآن. آنان این مسئله بسیار مهم معرفی می‌کنند زیرا چگونه ممکن است امیر درباره مسائل مسیح‌شناسی صحبت کند اما سخنی از دیدگاه قرآنی درباره مسیح نگوید و برای اثبات الوهیت مسیح، خواستار برهانی از اسفار پنج‌گانه باشد؟! از نظر آنان این امر نیز عجیب است که امیر انتظار دارد قوانین جامعه مسیحیت باید در انجیل نوشته شده باشد. آنان این دیدگاه را بیانگر وجود یک زمینه فکری یهودی در امیر عرب می‌دانند؛ چراکه در فکر اسلامی تنها بخش کوچکی از احکام شریعت را می‌توان از قرآن استخراج کرد. به باور نوو و کورن، همه این‌ها نشان می‌دهد اصلاً قرآن در آن زمان وجود نداشته، و امیر نیز دینی غیر از اسلام داشته که همان یکتاپرستی ابتدایی متأثر از مسیحیت یهودی است (ibid: p.228).

دو. نخستین تصویر از قرآن کریم در متون سریانی

نو و کورن معتقدند، نخستین متون غیرعربی که از کتاب دینی فاتحان عرب سخن گفته، تصویری متفاوت با آنچه امروز به عنوان قرآن می‌شناسیم را ارائه داده‌اند. آنان به یک متن سریانی و یک متن یونانی استناد کرده‌اند که هر دو در نیمه اول سده دوم هجری/ هشتم میلادی نگاشته شده‌اند. این امر سبب شده است تا نو و کورن کمی پیش از این دوره را زمان شکل‌گیری نخستین مجموعه‌ها از مواد قرآنی بدانند، که بعدها به صورت مصحفی که اکنون در اختیار داریم درآمده است.

الف. مجادله راهب بیت حالی و یک عرب

متن سریانی مورد استناد نو و کورن گزارش مربوط به مجادله راهب بیت‌حالی (Bēt Hālē) و یک عرب پیر و امیر مسلم است که در حدود سال‌های ۷۱۰-۷۴۰ به وقوع پیوسته است. مناظره درباره «متون دینی ما و قرآن آن‌ها» است. جالب‌ترین نکته این متن برای نو و کورن، پاسخ راهب به این پرسش است که چرا مسیحیان صلیب را می‌پرستند (یا احترام می‌کنند) (adore) «درحالی‌که او در انجیل خویش به شما چنین دستوری نداده است؟» پاسخ راهب این است:

«من هم به این [مسئله] درباره شما می‌اندیشم، همه قوانین و فرامین شما در قرآنی که محمد [ﷺ] به شما تعلیم کرده است، وجود ندارد؛ بلکه برخی [از آن‌ها] را او از قرآن به شما تعلیم کرده، و برخی در سوره بقره و جیجی (gygy) و در توره (twrh) است. ما نیز همین‌طور، برخی فرامین را سرور (The Lord) [یعنی عیسی] به ما آموخته است، برخی را روح‌القدس از زبان بندگانش، رسولان (the Apostles)، و برخی از طریق معلمانی که راه زندگی و مسیر نور را به ما آموخته و هدایت‌مان کرده‌اند، بیان کرده است» (Hoyland, 1997: p. 471).

از دیدگاه نو و کورن، این نخستین اشاره به کتابی به نام قرآن است که در یک منبع غیرمسلمان وجود دارد. این راهب از کتاب‌های متعددی اطلاع دارد که مسلمانان از آنها قوانین خویش را استخراج می‌کنند. وی تصریح می‌کند که این کتاب‌ها مجزا هستند. از دیدگاه او سوره بقره نیز، مانند تورات و جیجی (احتمالاً انجیل)، نوشته‌ای جدای از قرآن است (Nevo and Koren, 2003: p.241).

ب. کتاب درباره بدعت‌ها از یوحنا دمشقی

یوحنا دمشقی (John of Damascus)، در دهه‌های نخستین قرن هشتم میلادی به نگارش مشغول بوده و معمولاً در ابتدای لیست متکلمان مسیحی ضداسلام از او نام برده می‌شود. در فصلی از کتاب درباره بدعت‌ها (De Haeresibus) دین عرب‌ها این‌گونه توصیف شده است: «اشتباه فریبنده

اسماعیلیون» که «در زمان هراکلیوس ظاهر شد» یعنی در ابتدای قرن هفتم میلادی. در این کتاب اشاره‌ای به ارتباط فتوحات عرب‌ها و این بدعت و یا اینکه این دین از بیرون به داخل نفوذ کرده، نشده است. به باور نوو و کورن، بر اساس توصیفات یوحنا دمشقی، می‌توان این‌گونه تصور کرد که این دین در منطقه عمومی سوریه - فلسطین پدیدار شده است (ibid: p.236).

مهم‌ترین جنبه گزارش یوحنا برای نوو و کورن این است که با قرآن به عنوان مجموعه‌ای از چند کتاب برخورد می‌کند که «شتر خداوند» عنوان یکی از آن‌هاست:

«آن‌گونه که نقل شده است، این محمد کتاب‌های بی‌ارزشی نگاشته، و برای هر کدام عنوانی قرار داده است. برای نمونه، کتابی درباره زنان [سوره نساء] وجود دارد. کتاب شتر خداوند. ... کتاب سفره غذا (The Table) [سوره مائده] ... کتاب گاو ماده [سوره بقره] ...» (De Haeresibus, transl.) (Chase, 1958: pp. 157-59).

نوو و کورن معتقدند از آن‌جا که یوحنا نه تنها سوره شتر خدا را در کنار سوره‌ها ذکر می‌کند؛ بلکه برای استهزاء قرآن، بیشترین توجه را به آن مبذول داشته است، می‌توان نتیجه گرفت در آن زمان، این سوره در قرآن عرب‌ها وجود داشته است. بنابراین باید گفت تا اوایل قرن هشتم، قرآن هنوز صورت قانونی (canonical) خویش را نیافته، و پس از قانونی شدن قرآن نیز تغییراتی چون حذف این سوره صورت پذیرفته است (Nevo and Koren, 2003: p.238).

سه. نقش حجاج در شکل‌گیری قرآن کریم

نوو و کورن برای حجاج بن یوسف ثقفی (متوفای ۹۵ هجری) در شکل‌گیری قرآن کریم نقش ویژه‌ای قائل‌اند. شاهد آنان متن یونانی نامه‌ای است که گفته می‌شود توسط لئوی سوم (۹۹-۷۱۷/۱۰۲-۷۲۰) به عمر دوم که تنها سه سال (۷۲۰-۷۱۷/۱۰۲-۷۲۰) حکومت کرده، فرستاده شده است.

به گفته نوو و کورن، این متن نسبت به سایر منابع معاصر، دانش بیشتری درباره اسلام نشان می‌دهد. نامه لئوی سوم در اصل در مقام دفاع از مسیحیت در برابر اتهامات وارده از سوی عمر دوم است، هرچند گاهی هججه‌هایی نیز به اسلام می‌کند. اصالت این نامه مورد مناقشه است و در نتیجه نمی‌توان تقدّم یا تأخر آن نسبت به نوشته یوحنا دمشقی را با یقین تعیین کرد. متن ارمنی لُوند (Levond) نمی‌تواند متعلق به قبل از اواخر قرن هشتم میلادی باشد. نسخه لاتینی که متأخرتر است، تفاوت‌های زیادی با آن دارد و باید هر دو را ترجمه‌های مستقلی از متن اصلی یونانی دانست که البته به دست ما نرسیده است (Nevo and Koren, 2003: p.239). جفری، مترجم متن ارمنی، شواهدی بر اعتبار آن را ذکر کرده، اما خودش موضع خنثایی را اتخاذ کرده است (Jeffery, 1944: pp. 270-276;)

331-332). میندرف (Meyendorff, 1964) این شواهد را برای اثبات اعتبار کافی دانسته است. از دیدگاه هویلند، بخش‌هایی از نامه متعلق به ابتدای سده هشتم است، اما بخش‌هایی در اواخر این سده به آن اضافه شده است (Hoyland, 1997: pp. 490-494; Nevo and Koren, 2003: p.239, n.94). نوو کورن احتمال داده‌اند که نویسنده اصلی، شخصی غیر از لئو است که بعداً با توجه به اینکه از اصل ارسال نامه خبر داشته، با توجه به حدسیات خود، آن را نگاشته است (Nevo and Koren, 2003: p.239). مهم‌ترین نکته این متن در ارتباط با دیدگاه نوو و کورن این است که لئو هرگز نام قرآن را ذکر نکرده و در ترجمه ارمنی، نقل قولی از آن هم ندارد.^۱ (ibid: p.239) او نکات زیادی مطرح می‌کند که نویسنده بعدی برای هر کدام به یک سوره مناسب از قرآن اشاره می‌کند. از آنجاکه لئو در ناحیه مرزی شمال سوریه بزرگ شده و بنا بر یک منبع، دو زبان یونانی و عربی را می‌دانسته، امکان آشنایی او با سنت شفاهی عرب و کتاب مقدس آنان زیاد است. لئو تنها دو بار به قرآن اشاره می‌کند که هر دو مورد در بحث جمع‌آوری قرآن است:

«شما قبول دارید که می‌گویید آن [انجیل] توسط خداوند نوشته شده است... همان‌طور که شما برای فرقان خود این ادعا را دارید، هرچند ما می‌دانیم که عمر، ابوتراب و سلمان فارسی آن را نوشته‌اند» (Jeffery; 1944: p. 292).

«تاکنون مثال‌هایی از تحریف برای ما ارائه دادید، و معلوم است که شخص حجاج که او را فرماندار ایران (Persia) می‌خوانید، مردانی را گماشت تا کتاب‌های کهن شما را گردآورند، و او آنها را با نوشته‌های خود و مطابق میل خویش، جایگزین کرد و آن را در سراسر امت شما ترویج داد. با این حال، آثار کمی از ابوتراب از میان این ویران‌گری‌های یافتند، زیرا حجاج نمی‌توانست آنها را کاملاً نابود سازد» (ibid, p. 298). نوو و کورن از این متن چنین برداشت می‌کنند که گزارش‌هایی در میان مسیحیان درباره ویرایش‌های مختلف قرآن، یا متونی که قرآن از آنها جمع‌آوری شده، وجود داشته است. احتمال دارد که در زمان نگارش نامه، هنوز قرآن شکل نهایی خود را نیافته، و همگان از نام قرآن باخبر نبوده‌اند (Nevo and Koren, 2003: p.240). همچنین با توجه به اینکه یوحنا دمشقی تنها از سوره‌های ۲-۵ نقل قول می‌کند، جالب است که لئو نیز دانش بیشتری نسبت به این سوره‌ها در مقایسه با سایر سوره‌ها دارد. از متن نامه چنین برمی‌آید که لئو به نسخه مکتوب سوره‌های ۲-۵ دسترسی داشته است؛ اما جز این، بر «سخنان شایع» (hearsay) - گفته‌های دینی (logia) شفاهی و/یا مکتوب که به قرآن نیز راه یافتند - اعتماد می‌کرده است (ibid: p.240-241).

۱. متن لاتین تنها یک نقل غیردقیق از سوره پنجم قرآن دارد که بر اساس آن، جفری آگاهی او از قرآن را بر اساس سنت شنیداری دانسته است (Jeffery, 1944, p.315, n. 68. qtd. in Nevo and Koren, 2003: p.239, n. 68).

۵. نقد و بررسی

در این بخش، نقد و بررسی دیدگاه نوو و کورن درباره پیدایش قرآن کریم بر اساس سه محور بیان شده در بخش پیشین صورت خواهد پذیرفت.

یک. بررسی سکوت متون سریانی کهن نسبت به قرآن کریم

بر اساس آنچه از متون سریانی صدر اسلام تا اواخر سده نخست هجری/هفتم میلادی که تا کنون به دست آمده است، می توان سکوت آنها نسبت به قرآن کریم را تایید کرد؛ اما اینکه این سکوت به معنای عدم وجود قرآن کریم تا آن زمان باشد، مبتنی بر برهان سکوت منابع (argument from silence) است. اصل اولی، به ویژه در رخدادهایی که منابع تاریخی اندکی درباره آن وجود دارد، عدم پذیرش برهان سکوت است؛ زیرا همواره این احتمال وجود دارد که منابعی که از آن رخداد سخن گفته اند، هنوز به دست ما نرسیده اند و در آینده کشف شوند (e.g: Johns, 2003: p. 416).

افزون بر این، سکوت منابع درباره هر رخداد تاریخی باید به طور جداگانه بررسی و به عنوان یک دلیل، پذیرفته یا رد شود؛ زیرا ممکن است در هر رخداد تاریخی و منابع به جامانده درباره آن، خصوصیت های ویژه ای باشد که مانع تعمیم آن به سایر رخدادها گردد. در مسئله مورد بحث، با وجود گونه های دیگری از منابع تاریخی، مانند نسخه های کهن قرآن (see e.g. Sadeqi and Goudarzi, 2012: pp. 1-129; Déroche, 2014)، و تواتر (موتسکی، «جمع و تدوین قرآن»، ۱۳۸۵: ۱۶۰؛ شاکر، قرآن و مستشرقان، ۱۳۹۹: ۳۹۷-۴۰۲)؛ که می توان بر اساس آنها به وجود قرآن کریم از همان ابتدای ظهور اسلام یقین پیدا کرد، نباید عدم اشاره متون سریانی سده نخست به قرآن کریم را دلیلی بر عدم وجود این کتاب در آن دوره دانست؛ بلکه باید به جستجو و کشف علت این امر پرداخت.

به نظر می رسد مهمترین علت، روند تدریجی آشنایی مسیحیان سریانی با اسلام و بازتاب باورهای اسلامی در نگاشته های آنان است. نخستین مواجهه آنان با عرب در بافتار نظامی فتوحات صورت گرفته، و در نتیجه، نخستین گزارش های سریانی بیشتر به این جنگ ها و پیامدهای آن پرداخته اند. عدم اجبار مسیحیان به پذیرش دین عرب، که در متونی مانند نامه های یسوع یهب سوم (Penn, 2015b: p. 36)؛ و کتاب نکات اصلی یوحنا بار پنکایی (ibid: p. 92)؛ بدان تصریح شده، و نیز سکونت اولیه فاتحان عرب در اردوگاه های نظامی خارج از شهرهای مسیحی نشین (Penn, 2019a: pp. 24-25)؛ تا مدت ها مانع تقابل ایدئولوژیک اسلام و مسیحیت بود.

اما از اواخر سده هفتم در آثاری چون تفسیر فرازهای انجیل از حنا نشوع اول (Exegesis of the Pericopes of the Gospel, Hnansho' I (Hoyland, 1997: p. 202)؛ آشنایی بیشتر مسیحیان با باورهای

ضدمسیحی مسلمانان، مانند خدا و پسر خدا نبودن مسیح، عدم تولد وی از خدا آشکار می‌گردد. رینینک بر این باور است که انکار تولد مسیح از خداوند (yaldā) که به عنوان یکی از باورهای اسلامی مطرح شده، اشاره به سوره اخلاص (به‌ویژه عبارت «لَمْ یَلِدْ و لَمْ یُولَدْ») دارد که از اواخر دهه ۶۹۰ میلادی بر روی سکه‌های دوره عبدالملک ضرب شده است (Reinink, 2006: p. 156). وی همچنین این سخن مار ابا که مسلمانان از یوحنا ۲۰: ۱۷ (به سوی خدای خویش و خدای شما [بالا می‌روم]) سوءاستفاده می‌کنند و مسیحیان را متهم داشتن باورهای متضاد با اناجیل می‌کنند را ناظر به برخی آیات قرآنی (۵۱/۳؛ ۷۲/۵؛ ۱۱۷؛ ۳۶/۱۹؛ ۶۴/۴۳) می‌داند (ibid: p. 157).

دو. بررسی نخستین تصویر از قرآن کریم در متون سریانی

در بخش پیشین بیان شد که مخطوطات کهن قرآن کریم و برهان تواتر نشان از وجود این کتاب، تقریباً به همین شکل کنونی آن، در نیمه اول سده نخست هجری دارد. بنابراین، بازتاب متفاوت قرآن کریم در متون غیراسلامی نمی‌تواند شاهی بر وجود قرآنی متفاوت در آن زمان باشد.

اما نخستین شاهد نو و کورن، متن سریانی مجادله بیت‌حالی (Disputation of Bēt Halē) است که در نسخه‌ای با عنوان مجادله‌ای که میان یک عرب سرشناس و یک راهب در صومعه بیت‌حالی رخ داد وجود دارد. این مجادله هشت ورقه‌ای به موضوعاتی چون بافتار جغرافیایی فتوحات اسلامی، ختنه، تفسیر تیپولوژیکال (<https://www.britannica.com/topic/allegorical-interpretation>)، الهیات تثلیثی، مسیح‌شناسی، حضرت محمد ﷺ، تقدیس اشیا و آثار مقدس توسط مسیحیان، نماز گزاردن مسیحیان به سوی شرق، رستگاری‌شناسی، و خاستگاه‌های قرآن می‌پردازد (Penn, 2015b: pp. 212-213).

متن مجادله بیت‌حالی ادعا می‌کند که توسط راهبی ناشناس در صومعه بیت‌حالی که با یکی از مقامات عرب که از آن‌جا بازدید کرده، نوشته شده است. شواهدی وجود دارد که بر اساس آنها بیشتر محققان چنین نتیجه گرفته‌اند که مجادله بیت‌حالی پس از سال ۷۱۰ ولی به احتمال قوی‌تر پیش از انقلاب عباسیان نوشته شده است (Penn, 2015b: pp. 214-215; see also Hoyland, 1997: pp. 465-). (472; Reinink, 2007, pp. 57-72; Reinink, 2006: pp. 134-137)

شاهد نو و کورن این سخن راهب بیت‌حالی است که «همه قوانین و فرامین شما در قرآنی که محمد ﷺ به شما تعلیم کرده است، وجود ندارد؛ بلکه برخی [از آن‌ها] را از قرآن به شما تعلیم کرده، و

۱. در تفسیر تیپولوژیکال شخصیت‌ها، اشیا و رخداد‌های ویژه‌ای در عهدقدیم به صورت عمیق‌تر به صورت شخصیت‌ها، اشیا و رخداد‌هایی در عهدجدید دیده می‌شوند.

برخی در سوره بقره و جیجی (gygy) و در توره (twrh) است.» (Hoyland, 1997: p. 471) از آنجا که ظاهراً مراد از جیجی و توره همان انجیل و تورات باشد (ibid; Nevo and Koren, 2003: p.241)؛ تنها تفاوت توصیف این متن از قرآن کریم مجزا دانستن سوره بقره از آن است که با توجه به دلایل زیر می توان گفت این امر نمی تواند شاهدهی بر متفاوت بودن قرآن در آن زمان باشد. نخست اینکه سریانی پژوهانی مانند مایکل فیلیپ پن (Penn, 2015b: p. 212)؛ و حتی خود نوو و کورن (Nevo and Koren, 2003: p.241)؛ اذعان دارند که این متن از نخستین آشنایی های مسیحیان سریانی با قرآن کریم در اوایل تا میانه سده هشتم میلادی خبر می دهد. بنابراین نباید انتظار داشت آنان آشنایی کاملی با قرآن کریم داشته باشند، و چه بسا نویسنده متن حتی خود قرآن را ندیده و تنها بر اساس شنیده هایش این سخن را گفته است. نگارش و حمل و نقل نسخه های خطی کامل قرآن در آن زمان نیز دشوار بوده و بعید نیست این شخص، سوره بقره را به تنهایی نیز در مصحفی دیده و یا از وجود چنین مصحفی خبر یافته باشد.

دلیل دوم این است که موافقت دائمی عرب با بیانات راهب و اذعان مرد عرب در پایان بحث به اینکه باورهای مسیحی برتر از باورهای عرب هاست نشان می دهد این متن بیشتر علاقه مند به دفاعیه- نویسی و جدل کلامی بوده است تا اینکه بخواهد رونوشتی از یک مواجهه واقعی بین الادیانی ارائه دهد (Penn, 2015b: p. 214). بنابراین، نباید از نویسنده انتظار داشته باشیم باورها و ویژگی های اسلامی را به دقت تصویر کرده باشد؛ بلکه این متن به خوبی نشان می دهد که راهب به دنبال زیاد جلوه دادن منابع شریعت اسلامی است، تا از این رهگذر، کثرت منابع قوانین مسیحیت یعنی «برخی فرامین ... سرور (The Lord) [یعنی عیسی] ...، برخی را روح القدس از زبان بندگانش، رسولان (the Apostles)، و برخی از طریق معلمان ...» (Hoyland, 1997: p. 471)؛ را موجه جلوه دهد و لزوم انحصار شریعت مسیحیت در انجیل را به چالش بکشد.

دومین شاهد نوو و کورن، کتاب درباره بدعت ها (De Haeresibus) نوشته یوحنا دمشقی است. وی در حدود سال ۶۷۴ تا ۶۷۶ میلادی در دمشق به دنیا آمد. خانواده او پیرو فرقه مسیحیت ملکائی بودند که مذهب رسمی امپراطوری بیزانس بود. پدر بزرگ یوحنا منصور بن سرجون است که نماینده رسمی جمع خراج بود. در هنگام فتح دمشق توسط مسلمانان پس از مذاکره و پیمان صلح، دروازه شهر را به روی لشکریان مسلمان باز کرد (نصرالله، منصور بن سرجون المعروف بالقديس يوحنا الدمشقي، ۱۹۹۱: ۳۷-۳۸؛ Sahas, 1972: p. 17). عمر بن خطاب پس از فتح دمشق، یزید بن ابوسفیان را فرماندار آن شهر قرار داد، ولی چهار سال بعد که وی از دنیا رفت، برادرش معاویه فرماندار آن دیار گردید. منصور بن سرجون از همان ابتدای فرمانداری یزید بن ابوسفیان به عنوان رئیس دیوان خراج

انتخاب شد. وی در دوره حکومت معاویه امور مالی لشکر را نیز عهده‌دار گردید (لامنس، «أسرة القديس يوحنا الدمشقي»، ۱۹۳۱: ۴۸۳). منصور بن سرجون در این دوران از دنیا رفت و فرزندش که وی نیز سرجون نام داشت، جانشین وی گردید. وی در دوره حکومت یزید نیز این منصب را در اختیار داشت، و در مراسمات لهو و میگساری همشین یزید بود (ابوالفرج اصفهانی، الأغاني، بی تا: ۱۷/۳۱۰). سرجون تا دوران حکومت عبدالملک بن مروان (۶۵-۸۵ هجری) مسئولیت‌های اداری داشت و تنها پس از عربی شدن دیوان‌ها (سال ۸۱ هجری) از مناصب حکومتی فاصله گرفت؛ اما پسرش یوحنا که به زبان‌های عربی، سریانی و یونانی مسلط بود (Sahas, 1972: p. 39-40)؛ جایگاه خود را در دستگاه حکومتی تثبیت کرد و تا دوران عمر بن عبدالعزیز که نسبت به مسیحیان سختگیری شد، این جایگاه را حفظ کرد. از آن پس، وی به دیر مار سابا در فلسطین رفت و تا زمان وفاتش (۷۴۹ تا ۷۵۴ میلادی) به تحقیق و نگارش پرداخت (نصرالله، منصور بن سرجون المعروف بالقديس يوحنا الدمشقي، ۱۹۹۱: ۱۲۹).

به باور نوو و کورن توصیف یوحنا از قرآن کریم متفاوت با مصحف کنونی است. تنها شاهد آنان برای این ادعا این است که وی به سوره‌ای به نام شتر خدا اشاره کرده و برای استهزاء قرآن، بیشترین توجه را به این سوره مبذول داشته است. درحالی‌که این سوره در مصحف کنونی وجود ندارد (Nevo and Koren, 2003: p. 238)؛ در بررسی به این ادعا لازم است نکات زیر مورد توجه قرار گیرد:

۱- زندگی‌نامه خاندان یوحنا دمشقی نشان می‌دهد آنان کاملاً در جریان امور امت و حکومت اسلامی بوده‌اند و چنانچه، مطابق دیدگاه نوو و کورن و دیگران، شکل‌گیری اسلام، قرآن و شخصیت پیامبر اسلام ﷺ در دوره امویان اتفاق افتاده بود. حتماً از آن با خبر می‌شدند و یوحنا این مسئله مهم را در نوشته‌های ضداسلامی خویش بازگو می‌کرد.

۲- این‌که یوحنا دمشقی از سوره‌های مختلف قرآن (نساء، مائده و بقره) نام می‌برد و تصریح می‌کند که سوره‌های دیگری نیز وجود دارد (Hoyland, 1997: p. 487)؛ که از ذکر آنها خودداری می‌کند، نشان از آن دارد که توصیف او از قرآن کریم به ویژگی‌های مصحف کنونی بسیار نزدیک است.

۳- ماجرای ناقه صالح که از آن در قرآن کریم تعبیر به «ناقة الله» نیز شده، در پنج سوره آمده است (اعراف (۷): ۷۳-۷۸؛ هود (۱۱): ۶۱-۶۵؛ شعراء (۲۶): ۱۴۱-۱۵۸؛ قمر (۵۴): ۲۳-۳۱؛ شمس (۹۱): ۱۱-۱۵). با بررسی اسامی دیگر این سوره‌ها می‌توان گفت تنها سوره‌ای که به «سوره ناقه» نیز شناخته می‌شود، سوره شمس است (خرمشاهی، دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی، ۱۳۷۷: ۱/۲: ۱۲۶۴). هرچند این نام در متون علوم قرآن مشهور نیست (ابن ابی داود، المصاحف، ۱۴۲۳ق: ص ۲۶۸؛

ابن قتیبه، غریب القرآن، ۱۳۹۸ق: ۵۲۹؛ ابن سلامه، الناسخ والمنسوخ، ۱۴۰۴ق: ص ۱۹۸؛ ابوعمیده، مجاز القرآن، ۱۳۸۱ق: ۳۰۰/۲؛ اما شناخته شدن این سوره به این نام در آن دوران می تواند بسیار طبیعی باشد؛ زیرا بخش قابل توجهی از این سوره به داستان ناقه صالح علیه السلام اختصاص یافته (آیات ۱۱-۱۵) و این تنها ماجرای از انبیاء است که در این سوره بدان اشاره شده است. بنابراین، به نظر می رسد مقصود یوحنا دمشقی نیز همین سوره بوده است که در مصحف کنونی نیز وجود دارد.

۴- نباید از یک اثر دفاعیه نویسی که توسط یکی از متعصب ترین نویسندگان ضداسلامی به نگارش درآمده است، انتظار داشته باشیم که توصیف و تحلیل دقیقی از متن مقدس اسلام را ارائه دهد. به ویژه اینکه وی این کتاب را در زمانی که در دمشق بوده، تالیف نکرده است (نصرالله، منصور بن سرجون المعروف بالقديس يوحنا الدمشقي، ۱۹۹۱: ۱۲۹)؛ و احتمالاً مخاطبان وی آشنایی عمیقی با قرآن کریم نداشته اند.

سه. بررسی نقش حجاج در شکل گیری قرآن کریم

تنها شاهد نوو و کورن برای اثبات نقش حجاج در شکل گیری قرآن کریم، نامه لئوی سوم است که اشکالات متعددی بر آن وارد است:

۱- نوو و کورن اذعان دارند که اصالت این نامه مورد مناقشه است، و احتمال داده اند که نویسنده اصلی، شخصی غیر از لئو است که بعداً با توجه به این که از اصل ارسال نامه خبر داشته، با توجه به حدسیات خود، آن را نگاشته است (Nevo and Koren, 2003: p.239).

۲- با توجه به ماهیت جدلی این نامه، نمی توان از ادعای نویسنده به عنوان سندی تاریخی استفاده کرد، به ویژه اینکه او در مقام پاسخ به اشکال تحریف عهدین این سخنان را بیان کرده است (Jeffery, 1944: p. 298).

۳- در متن نامه ادعا شده است که عمر، ابوتراب (امام علی علیه السلام) و سلمان فارسی قرآن را نوشته اند (ibid: p. 292) و با وجود تلاش حجاج، آثاری از قرآن ابوتراب باقی مانده است (ibid, p. 298). بنابراین این متن، کاملاً برخلاف دیدگاه نوو و کورن، بر وجود قرآن پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، در همان سده نخست دلالت دارد.

۴- نویسنده نامه هیچ سندی برای این ادعای خود ارائه نداده است. دو نویسنده غیرمسلمان دیگر که این ادعا را تکرار کرده اند؛ یعنی عبدالمسیح کندی و ابراهیم اهل طبریه فلسطین که ظاهراً هر دو در زمان مأمون عباسی به نگارش مشغول بوده اند، برای این ادعا به سخن عالمان مسلمان استناد کرده اند (Hoyland, 1997: p. 501)؛ ولی بنا بر دیدگاه نوو و کورن، روایات اسلامی به دلیل تناقضات، دشواری ها و اشکالات استناد به آنها فاقد اعتبار هستند (Nevo and Koren, 2003: p.3-10). بنابراین، نوو و کورن نمی توانند این نامه را برای اثبات دیدگاه خود به کار گیرند.



۵- بنا بر روایات اسلامی، حجاج در دوره حکومتش جمعی از قراء را جمع کرد و آنان را به شماره کردن حروف قرآن وادار کرد که باعث شد نسخه‌ای متفاوت با نسخه عثمان پدید آید. برخی روایات این تغییر را تنها در یازده کلمه دانسته‌اند (ابن ابی داود، المصاحف، ۱۴۲۳ق: ۲۷۲/۱). کاملاً محتمل است که نویسنده نامه در راستای اهداف خویش به بزرگنمایی این گونه گزارش‌ها پرداخته است. هارالد موتسکی نیز معتقد است، گزارش‌کننده‌ی جز خلاصه تحریف‌شده‌ای از چند روایت اسلامی چیز دیگری نیست (موتسکی، «جمع و تدوین قرآن»، ۱۳۸۵: ۱۷۲).

۶- رسمیت یافتن نسخه‌ای از قرآن در زمان عثمان سبب انتشار گسترده آن در سرزمین‌های اسلامی است و در نتیجه این امکان برای حجاج نبوده تا نسخه متفاوتی را جایگزین کند و همه نسخه‌های قبلی را از بین ببرد؛ درحالی‌که بررسی نسخه‌های کهن به‌جامانده نشان می‌دهد تفاوت‌چندانی با هم ندارند و نمی‌توان گفت دو قرآن متفاوت عثمانی و حجاجی وجود داشته است (شاکر، قرآن و مستشرقان، ۱۳۹۹: ۳۰۲-۳۰۴).

نتیجه

نو و کورن دیدگاه متفاوت خود درباره پیدایش قرآن را با اساس شواهد باستان‌شناختی و متون غیراسلامی، به‌ویژه متون سریانی، بنانهاده‌اند. مهمترین شواهد آنان برای پیدایش دیر هنگام قرآن، سکوت متون غیراسلامی نسبت به این کتاب، تصویر متفاوت قرآن در آنها و نقش حجاج در این زمینه است. شاهد نخست؛ یعنی برهان سکوت منابع، با این اشکال روش‌شناختی مواجهه است که ادله غیرروایی، مانند نسخه‌های کهن قرآن و برهان تواتر، نادیده گرفته شده‌اند. افزون بر این، نو و کورن به علت اصلی سکوت منابع سریانی نسبت به قرآن کریم تا اواخر سده دوم هجری که روند تدریجی آشنایی سریانیان با دین اسلام است، توجه نکرده‌اند.

شاهد دوم؛ یعنی تصویر متفاوت قرآن در متن سریانی مجادله بیت‌حالی و کتاب درباره بدعت‌ها نیز افزون بر اشکالات پیشین به علت ماهیت جدلی با دشواری‌های تفسیری مواجهه‌اند. افزون بر این، سخن یوحنا دمشقی درباره «سوره ناقه» را می‌توان ناظر به سوره شمس دانست که در مصحف کنونی نیز وجود دارد.

درباره نقش حجاج بن یوسف در تحریف قرآن، تنها شاهد نو و کورن، نامه لنوی سوم است که افزون بر داشتن ماهیت جدلی، اصالت آن مورد مناقشه است. به علاوه، اشاره به مصحف عمر، امام علی علیه السلام و سلمان فارسی در این متن، کاملاً برخلاف دیدگاه نو و کورن، بر وجود قرآن پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، در همان سده نخست، دلالت دارد. اشکال دیگر این شاهد ابتدائی آن بر روایات اسلامی است که بنا بر مبنای نو و کورن فاقد اعتبار هستند.

بنابراین می‌توان گفت حتی بر مبنای تجدیدنظرطلبانه نو و کورن و عدم توجه به روایات اسلامی، دیدگاه پیدایش دیر هنگام قرآن کریم با شواهد متون سریانی صدر اسلام سازگاری ندارد.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، دارالقرآن الکریم، قم: چاپ دوم، ۱۳۷۳ ش.
۲. ابن ابی داود، ابوبکر، السجستانی، المصاحف، الفاروق الحدیثه، قاهره: ۱۴۲۳ ق.
۳. ابن سلامه، أبو القاسم هبة الله بن سلامة بن نصر البغدادي، الناسخ والمنسوخ، تحقیق: زهیر الشاویش؛ محمد کنعان، المكتبة الإسلامية، بیروت: ۱۴۰۴ ق.
۴. ابن قتیبه، أبو محمد عبد الله بن مسلم الدينوري، غريب القرآن، تحقیق: أحمد صقر، دار الكتب العلمية، بیروت: ۱۳۹۸ ق.
۵. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، الأغاني، دار الفكر، بیروت: بی تا.
۶. أبو عبدة، معمر بن المثنى التیمی البصری، مجاز القرآن، تحقیق: محمد فواد سزگین، مكتبة الخانجي، قاهره: ۱۳۸۱ ق.
۷. پُپ، فُلکر، آغاز اسلام از اوگاریت به سامریه، ترجمه: ب. بی نیاز (داریوش)، فروغ، آلمان: ۲۰۱۴ م.
۸. خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، دوستان/ناهد، تهران: ۱۳۷۷.
۹. شاکر، محمد کاظم، قرآن و مستشرقان، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ، قم: ۱۳۹۹.
۱۰. کتاب مقدس، ترجمه معاصر، انتشارات بیبلیکا، ۱۹۹۵ م.
۱۱. کورن، جی؛ نوو، وای.دی، «رویکردهای روش شناختی در غرب به مطالعات اسلامی»، ترجمه: رحیم راستی تبار، پژوهش و حوزه، ش ۳۰ و ۳۱، ۱۳۸۷.
۱۲. لامنس، هنری، «أسرة القديس يوحنا الدمشقي»، المشرق، ش ۷، ۱۹۳۱.
۱۳. لنگرودی، آرمین، چگونه مسلمان شدیم؟، فروغ، آلمان: چاپ ۲، ۲۰۱۸ م.
۱۴. موتسکی، هرالد، «جمع و تدوین قرآن»، ترجمه: مرتضی کریمی نیا، هفت آسمان، ش ۳۲، ۱۳۸۵.
۱۵. نصرالله، جوزف، منصور بن سرجون المعروف بالقديس يوحنا الدمشقي، ترجمه: انطون هبی، المكتبة البولسية، بیروت: ۱۹۹۱ م.
16. Al-Azmeh, Aziz. The Emergence of Islam in Late Antiquity: Allah and His People. Cambridge University Press, 2014.

17. Debié, Muriel , "The Eastern Provinces of the Roman Empire in Late Antiquity" , in The Syriac World, ed. Daniel King, Abingdon, 2018.
18. François Déroche, Qur'ans of the Umayyads: A First Overview, Leiden: Brill, 2014.
19. Grodzki, M, "Christian-Muslim Symbolism on Coins of the Eearly Arab Empire (7–8th Century C.E.); An Attempt at A New Approach", Asian and African Studies, 2014.
20. Holland, Tom, In the shadow of the sword: the battle for global empire and the end of an ancient world-Little, Brown, 2012.
21. Hoyland, Robert. Seeing Islam as Others Saw It: a survey and evaluation of Christian, Jewish, and Zoroastrian writings on early Islam, Princeton, 1997.
22. Jeffery, Arthur. "Ghevond's Text of the Correspondence between 'Umar II and Leo III." Harvard Theological Review 37.4 (1944): 269-332.
23. Johns, Jeremy. "Archaeology and the history of early Islam: the first seventy years." Journal of the Economic and Social History of the Orient 46.4 (2003): 411-436.
24. Koren, Judith, and Yehuda D. Nevo. "Methodological approaches to Islamic studies." Der Islam 68.1 (1991): 87-107.
25. Lindstedt, Ilkka. "Who is in, who is out?: Early muslim identity through epigraphy and theory." Jerusalem studies in Arabic and Islam 46 (2019): 147-246.
26. Meyendorff, John. "Byzantine Views of Islam." Dumbarton Oaks Papers, 18 (1964): 115-132.
27. Nevo, Yehuda D. Sede Boqer and the Central Negev, 7th-8th Century AD. Jerusalem, Israel Publication Services, 1985.
28. _____. "Towards a prehistory of Islam." Jerusalem Studies in Arabic and Islam (1994): 108-141.
29. _____. Pagans and herders: A re-examination of the Negev runoff cultivation systems in the Byzantine and early Arab periods. Negev, Israel, IPS Limited, 1991.
30. Nevo, Yehuda D., and Judith Koren. "The origins of the Muslim descriptions of the Jāhīlī Meccan sanctuary." Journal of Near Eastern Studies 49.1 (1990): 23-44.



31. _____ . Crossroads to Islam: the Origins of the Arab religion and the Arab state. Prometheus Books, 2003.
32. Nevo, Yehuda D., Zemira Cohen, and Dalia Heftman. Ancient Arabic Inscriptions from the Negev. Midreshet Ben-Gurion, IPS Ltd, 1993.
33. Penn, Michael Philip. Envisioning Islam: Syriac Christians and the Early Muslim World. University of Pennsylvania Press, 2015a.
34. _____. When Christians First Met Muslims. University of California Press, 2015b.
35. Reinink, Gerrit J. "Bible and Qur'an in Early Syriac Christian-Islamic Disputation," in Christians and Muslims in Dialogue in the Islamic Orient of the Middle Ages, edited by Martin Tamcke, Beirut, Ergon Verlag, 2007: 57–72.
36. _____. "Political Power And Right Religion In The East Syrian Disputation Between A Monk Of Bēt Hālē And An Arab Notable". The Encounter of Eastern Christianity with Early Islam. Leiden, Brill, 2006.
37. Rosen-Ayalon, M., Ben-Tor, A. and Nevo, Y. The Early Arab Period in the Negev. Jerusalem, The Hebrew University of Jerusalem, Institute of Archaeology, 1982.
38. Sadeghi, Behnam, and Mohsen Goudarzi. "Ṣan'ā'1 and the Origins of the Qur'ān", Der Islam 87.1-2 (2012): 1-129.
39. Sahas, Daniel, John of Damascus in Islam, Leiden: Brill, 1972.
40. Schoeler, Gregor. The Biography of Muhammad: Nature and Authenticity. Routledge, 2011.
41. Suermann, Harald. "Copts And The Islam Of The Seventh Century". The Encounter of Eastern Christianity with Early Islam. Leiden, The Netherlands: Brill, 2006.
42. Wakeley, James Moreton. "The Problem of the Islamic Sources." in The Two Falls of Rome in Late Antiquity. Palgrave Pivot, Cham, 2018. 25-34.
43. Wansbrough, John E. The sectarian milieu: Content and composition of Islamic salvation history. Oxford Univ. Press, 1977.
44. Winkler, Dietmar W., "The Syriac Church Denominations", in The Syriac World ed. Daniel King, Abingdon: Routledge, 2018.

منابع اینترنتی

45. www.britannica.com/topic/allegorical-interpretation.
46. www.wikipedia.org/Varieties_of_criticism.
47. www.wikipedia.org/Yehuda_D._Nevo.
48. www.en-academic.com/dic.nsf/enwiki/2220453.

Resources:

1. *Holy Quran*, Translated by Makarem Shirazi, Nasir, Dar al-Quran al-Karim, Qom: 2nd Edition, 1994.
2. *Holy Bible*, Contemporary Translation, Biblica Publications, 1995.
3. Abolfaraj Isfahani, Ali bin Hossein, *Al-Aghani*, Dar al-Fikr, Beirut: n.d.
4. Abu Obaydah, Mu'ammam bin al-Muthanna al-Tamimi al-Basri, *Ma'a'jiz al-Quran*, Research: Muhammad Fuat Sezgin, Al-Khaiji Library, Cairo: 1381 AH.
5. Al-Azmeh, Aziz. *The Emergence of Islam in Late Antiquity: Allah and His People*. Cambridge University Press, 2014.
6. Debié, Muriel, "The Eastern Provinces of the Roman Empire in Late Antiquity", in *The Syriac World*, ed. Daniel King, Abingdon, 2018.
7. François Déroche, *Qurans of the Umayyads: A First Overview*, Leiden: Brill, 2014.
8. Grodzki, M, "Christian-Muslim Symbolism on Coins of the Early Arab Empire (7–8th Century C.E.): An Attempt at A New Approach", *Asian and African Studies*, 2014.
9. Holland, Tom, *In the shadow of the sword: the battle for global empire and the end of an ancient world-Little*, Brown, 2012.
10. Hoyland, Robert. *Seeing Islam as Others Saw It: a survey and evaluation of Christian, Jewish, and Zoroastrian writings on early Islam*, Princeton, 1997.
11. Ibn Abi Dawood, Abu Bakr bin Abi Dawood al-Sajistani, *Al-Masahif*, Al-Farooq al-Hadithah, Cairo: 1423 A.H.
12. Ibn-Qutaybah, Abu Muhammad Abdallah bin Muslim al-Dinawari, *Gharib al-Quran*, Research: Ahmad Saqr, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: 1398 AH.
13. Ibn-Salamah, Abu al-Qasim Hibatullah bin Salamah bin Nasr al-Baghdadi, *Al-Nasikh wa al-Mansookh*, Research: Zuhair al-Shawish; Muhammad Kana'an, Al-Islamic Library, Beirut: 1404 AH.
14. Jeffery, Arthur. "Ghevond's Text of the Correspondence between 'Umar II and Leo III." *Harvard Theological Review* 37.4 (1944): 269-332.
15. Johns, Jeremy. "Archaeology and the history of early Islam: the first seventy years." *Journal of the Economic and Social History of the Orient* 46.4 (2003): 411-436.
16. Khorramshahi, Bahauddin, *Encyclopedia of Quran and Quran Studies*, Dostane/Nahid, Tehran: 1998.

17. Koren, J.; Nevo, Y.D., “*Methodological Approaches to Islamic Studies in the West*”, Translation: Rahim Rasti Tabar, Research and Hawzeh, Vol. 30 and 31, 2008.
18. Koren, Judith, and Yehuda D. Nevo. “Methodological approaches to Islamic studies.” *Der Islam* 68.1 (1991): 87-107.
19. Lamans, Henry, “*Usrah al-Qiddis Yohanna al-Dimashqi*”, *Al-Mashriq*, vol. 7, 1931.
20. Langroudi, Armin, *How did we become Muslim?*, Forough, Germany: 2nd Edition, 2018.
21. Lindstedt, Ilkka. “*Who is in, who is out?: Early Muslim identity through epigraphy and theory.*” *Jerusalem Studies in Arabic and Islam* 46 (2019): 147-246.
22. Meyendorff, John. “*Byzantine Views of Islam.*” *Dumbarton Oaks Papers*, 18 (1964): 115-132.
23. Motzki, Herald, “*Collection and Compilation of the Quran*”, Translated by Murtaza Kariminia, Haft Asman, Vol. 32, 2006.
24. Nasrullah, Joseph, *Mansour bin Sarjun, Known as Saint Yohanna Al-Dimashqi*, Translated by Anton Hebi, Al-Muktabah al-Bulsiyyah, Beirut: 1991.
25. Nevo, Yehuda D. “*Towards a prehistory of Islam.*” *Jerusalem Studies in Arabic and Islam* (1994): 108-141.
26. Nevo, Yehuda D. *Pagans and herders: A re-examination of the Negev runoff cultivation systems in the Byzantine and early Arab periods.* Negev, Israel, IPS Limited, 1991.
27. Nevo, Yehuda D. *Sede Boqer and the Central Negev, 7th-8th Century AD.* Jerusalem, Israel Publication Services, 1985.
28. Nevo, Yehuda D., and Judith Koren. “*The origins of the Muslim descriptions of the Jāhili Meccan sanctuary.*” *Journal of Near Eastern Studies* 49.1 (1990): 23-44.
29. Nevo, Yehuda D., and Judith Koren. *Crossroads to Islam: the Origins of the Arab religion and the Arab state.* Prometheus Books, 2003.
30. Nevo, Yehuda D., Zemira Cohen, and Dalia Heftman. *Ancient Arabic Inscriptions from the Negev.* Midreshet Ben-Gurion, IPS Ltd, 1993.
31. Penn, Michael Philip. *Envisioning Islam: Syriac Christians and the Early Muslim World.* University of Pennsylvania Press, 2015a.
32. Penn, Michael Philip. *When Christians First Met Muslims.* University of California Press, 2015b.
33. Popp, Volker, *The Beginning of Islam from Ugarit to Samara*, Translated by B. Biniyaz (Dariush), Forough, Germany: 2014.



34. Reinink, Gerrit J. "Bible and Qur'an in Early Syriac Christian-Islamic Disputation," in Christians and Muslims in Dialogue in the Islamic Orient of the Middle Ages, edited by Martin Tamcke, Beirut, Ergon Verlag, 2007: 57–72.
35. Reinink, Gerrit J. "Political Power And Right Religion In The East Syrian Disputation Between A Monk Of Bēt Ḥālē And An Arab Notable". The Encounter of Eastern Christianity with Early Islam. Leiden, Brill, 2006.
36. Rosen-Ayalon, M., Ben-Tor, A. and Nevo, Y. *The Early Arab Period in the Negev. Jerusalem*, The Hebrew University of Jerusalem, Institute of Archaeology, 1982.
37. Sadiqi, Behnam, and Mohsin Goudarzi. "Şan'ā'ī and the Origins of the Qur'ān", *Der Islam* 87.1-2 (2012): 1-129.
38. Sahas, Daniel, *John of Damascus in Islam*, Leiden: Brill, 1972.
39. Schoeler, Gregor. *The Biography of Muhammad: Nature and Authenticity*. Routledge, 2011.
40. Shakir, Muhammad Kazim, *Quran and Orientalists*, Al-Mustafa International Translation and Publishing Center (PBUH), Qom: 2020.
41. Suermann, Harald. "Copts And The Islam Of The Seventh Century". The Encounter of Eastern Christianity with Early Islam. Leiden, The Netherlands: Brill, 2006.
42. Wakeley, James Moreton. "The Problem of the Islamic Sources." in *The Two Falls of Rome in Late Antiquity*. Palgrave Pivot, Cham, 2018. 25-34.
43. Wansbrough, John E. *The sectarian milieu: Content and composition of Islamic salvation history*. Oxford Univ. Press, 1977.
44. Winkler, Dietmar W. , "The Syriac Church Denominations" , in *The Syriac World* ed. Daniel King, Abingdon: Routledge, 2018.

Websites

45. www.britannica.com/topic/allegorical-interpretation.
46. www.en-academic.com/dic.nsf/enwiki/2220453.
47. www.wikipedia.org/Varieties_of_criticism.
48. www.wikipedia.org/Yehuda_D._Nevo.